

کلیات حقوق تجارت

نسبت بشرکتهای سهامی محدود

میتواند سرمایه خود را تقلیل نماید . تقلیل سرمایه باید مطابق مقررات اساسنامه یا رعایت ماده ۷۴ قانون تجارت انجام گیرد .

هرگاه شرکتی که فرضاً سرمایه سهامی آن یک میلیون ریال باشد که بهزار سهم هزار ریالی تقسیم و کلیه قیمت اسمی آن تادیه شده متحمل ضرری در حدود صد هزار ریال گردد خواسته باشد برطبق مقررات اساسنامه سرمایه خود را بهمان میزان تقلیل دهد چون صد هزار ریال خسارت وارده یک عشر سرمایه سهامی است بنابراین یک عشر مبلغ اسمی هر سهمی باید کسر گردیده و یاد صورت امکان و برای آنکه تغییری در مبلغ اسمی سهام حاصل نگردد یک عشر سهام را باطل نمایند . در صورت اخیر ابطال سهام باید بنحوی انجام گیرد که هر صاحب سهمی که دارای ده سهم باشد یک سهم او باطل گردد .

بعد از تقلیل سرمایه رو نوشت تصمیم مجمع دایر بتصویب تقلیل سرمایه که باامضای رئیس مجمع رسیده باشد باید برای درج در آگهی رسمی به ثبت شرکتها ارسال گردد و در این مورد رعایت ماده ۳۴ قانون تجارت راجع به قید میزان سرمایه و قسمتی که تا آن تاریخ تادیه شده در روی اوراق و اسناد و سهام شرکت نیز لازم خواهد بود .

منافع سهام

چون تفاوت بین مبلغ خرید و فروش نماینده نفع یا ضرر (سود یا زیان) است بنابراین منافع هر شرکتی با در نظر گرفتن نوع تجارت آن عبارت از مازاد دیون و تعهدات بر دارائی و مطالبات است . و هرگاه منافی غیر از مازاد من بود بعنوان منافع سهام اعلام گردد تابع شق سوم ماده ۹۲ قانون تجارت بوده و شخص اعلام کننده کلاه بردار محسوب میشود .

شرکت با تصویب مجمع عمومی میتواند هر نوع سهمی را بغیر از سهام اساسی شرکت انتشار دهد ولی اگر شرکت نامه انتشار طبقات مختلفه سهام را ممنوع نموده باشد انتشار آن منوط بتصویب مجمع عمومی است که مطابق ماده ۷۴ قانون تجارت دعوت و تشکیل و تصمیم مزبور مورد موافقت محکمه صالحه واقع شده باشد

اضافه کردن سرمایه

اضافه نمودن سرمایه شرکت وقتی ممکن است که اساسنامه اجازه داده باشد . تصمیم مجمع عمومی شرکت دایر بتصویب ازدیاد سرمایه شرکت تابع مقررات اساسنامه بوده و اغلب در اساسنامه قید مینمایند که در صورت انتشار سهام جدید صاحبان سهام سابق حق اولویت بر اشخاص دیگر داشته و برای این منظور مدت معینی را برای استفاده از حق اولویت مزبور قائل میشوند تا چنانچه در خلال مدت مزبور صاحبان سهام سابق برای تمهید سهام جدید بدقت شرکت مراجعه نمودند اشخاص خارج حق مراجعه داشته باشند .

البسته باید دانست در موقع انتشار سهام جدید صاحبان سهام سابق را نمیتوان ملتزم به خرید سهام جدید نمود و در صورتیکه تصمیمی باقید التزام بتصویب مجمع عمومی شرکت رسیده باشد قید التزام آن باطل و بر علیه صاحبان سهام سابق هیچگونه تأثیری نخواهد داشت .

تقلیل سرمایه

تقلیل سرمایه مثلاً ازدیاد سرمایه تابع مقررات ماده ۵۸ و ۲۲۲ قانون تجارت بوده و هر شرکتی در موقع تحمل خسارت زیاد بنحویکه از منافع سالیانه قابل جبران نباشد میتواند سرمایه خود را تقلیل دهد . و همچنین در صورتیکه شرکت کلیه وجوه سرمایه را نتواند بکار اندازد

آنها بمقامات صلاحیت‌دار تسلیم نماید. هر چند قانون تجارت مقررات صریحی در این مورد وضع ننموده ولی چون منافع سهام تابع سهم است میتوان آنها را تابع مقررات ماده ۷۹ دانست.

بطوریکه قبلاً ذکر شد منافع سهام از محل منافع شرکت قابل تأدیه است ولی در مورد منافع شرکتهاست که متصدی امور ساختمانی هستند و یا شرکتهاست که در صد تأسیس کارخانجات بوده و ساختن کارخانه و نصب ماشین آلات آن چند سال بطول انجامیده باشد و هنوز کارخانه برای نیتناوه باشد آیا میتوان منافی قائل شد و یا آنکه صاحبان سهام بعد از برافقاندن کارخانه و یا اتمام ساختمان استحقاق دریافت منافع خواهند داشت.

از يك طرف مطابق قاعده کلی پرداخت منافع در سرمایه مشکل و بلکه غیر ممکن بنظر میرسد و از طرفی شرکتی که فرضاً اتمام ساختمانی را بعهده گرفته و آنرا نیمه تمام نموده و وجوهی را که از طرف دریافت میدارد برسم علی الحساب است و منافع حاصله از ساختمان نیز بعد از اتمام آن تعیین میشود آیا میتواند از آن قسمت کارهای نیمه تمام منافی را در نظر بگیرد یا خیر؟

در اینجا باید بین اموالیکه بقصد باز فروش تحصیل و یا آنکه تغییراتی در آن داده و تصرفاتی در آن بعمل آورده و بعداً مورد معامله قرار گیرد و اموالیکه بقصد مورد استفاده و انتفاع قرار دادن آنها تحصیل میشود فرق گذاشت.

بطوریکه قبلاً ذکر شد دارائی بردو قسم است: دارائی ثابت و دارائی متحرك.

برای شرکتی که کارخانه و ماشین آلات یا ابنیه و عمارات در جزو دارائی ثابت آن محسوب میشود تا موقعیکه دارائی ثابت مورد انتفاع قرار ننگرفته و منافی از آن تحصیل نگردیده نمیتوان منافی برای آن منظور داشت زیرا اموال مزبور باین نظر خریداری شده که در اثر مورد استفاده قرار دادن آنها منافی عاید گردد.

حسین اکرمی

منافع سهام به نسبت سهام سرمایه در منافع شرکت در آخر هر سال تجارتي یا هر شش ماه قابل تأدیه خواهد بود. طرز تأدیه منافع سهام تابع مقررات اساسنامه بوده و مقررات مواد ۵۵ و ۵۴ قانون تجارت نیز لازم الرعایه خواهد بود هر گاه در اساسنامه قید نشده باشد که منافع سهام باید بنسبت وجوهی که از بابت مبلغ اسمی سهام پرداخته شده تأدیه شود کایه صاحبان سهام ولو آنکه تفاوتی در مبلغ پرداختی سهام داشته باشند از حیث استحقاق بمنافع سهام یکسان خواهند بود بمبارت دیگر هر گاه اساسنامه مقررات خاصی برای صاحبان سهام و میزان وجوه تأدیه شده از بابت قیمت اسمی سهام وضع ننموده باشد هیچگونه حقوق یا مزایای خاصی برای صاحبان سهام شرکت نمیتوان فرض نمود.

مجمع عمومی که برای تصویب منافع سهام و رسیدگی بمحاسبه سالیانه شرکت تشکیل میشود نمیتواند بیش از مبلغی که مدیران شرکت بعنوان منافع سهام پیشنهاد مینمایند تصویب نمایند ولو آنکه مجمع عمومی با-تعداد گزارش مفتشین شرکت خواسته باشد اضافه منافی را تصویب نماید. بنا بر این پرداخت منافع وقتی معتبر خواهد بود که از طرف مدیران پیشنهاد و صحت آن نیز بتصدیق مؤسسين شرکت رسیده باشد ولی مجمع عمومی میتواند منافی را کمتر از میزانیکه مدیران پیشنهاد نموده اند تصویب نماید.

اساسنامه ممکن است بمديران شرکت اجازه دهد که در خلال هر سال و بین تشکیل دو مجمع عمومی عادی هر مبلغی را که از منافع شرکت قابل پرداخت بدانند بین صاحبان سهام توزیع نمایند. تا موقعیکه منافع سهام بتصویب مجمع عمومی فرسیده ایجاد دین نخواهد نمود، بعد از تصویب در صورتیکه موقع معینی برای تأدیه آن مقرر نشده باشد از همان تاریخ قابل تأدیه خواهد بود. هر گاه صاحب سهمی در موعد مقرر برای دریافت منافع سهام خود بشرکت مراجعه نماید گذشته از اینکه فرع بان تعلق نخواهد گرفت در صورتیکه در ظرف مدت ده سال برای دریافت آن اقدامی ننماید نسبت بحق او مرور زمان حاصل شده و وجه مزبور در حکم اموال بلا صاحب بوده و مدیر شرکت مکلف است